

مقاله پژوهشی:

راهبرد مدیریت کاهش وابستگی به نفت با تقویت بخش خصوصی و افزایش تولید به عنوان راهکار اقتصاد مقاومتی

حمید حاجی ملامیرزایی؛ محمداصادق حاجی ملامیرزایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

چکیده

یکی از مشکلات اساسی کشورهای دارنده نفت و به خصوص ایران، تامین بودجه طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی از طریق درآمدهای نفتی است. در بیشترین کشورها بخش نفت از سهم ارزش افزوده بالایی در تولید ناخالص داخلی برخوردار است. افزایش شدید درآمدهای نفتی در حالی که به عنوان یک ثروت طبیعی تلقی می‌شود به بلای اقتصادی تبدیل شده است. سوال اصلی در این مطالعه با توجه به کاهش قیمت نفت در سال‌های اخیر و همراه شدن آن با مسائل تحریم که نیاز بیشتر به تولید داخل و حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی را نمایان می‌سازد، این است که آیا می‌توان وابستگی به درآمدهای نفت را با تقویت بخش خصوصی و افزایش تولید و اتکا به نیروی کار داخل را در سایه اقتصاد مقاومتی کاهش داد و از چه راهکارهایی برای جایگزینی درآمدهای نفتی برای افزایش تولید می‌توان استفاده کرد. در این تحقیق از اطلاعات سری زمانی سالانه‌ی ۱۳۹۷-۱۳۵۱ و مدل ضریب تصحیح خطا استفاده شده است. نتایج مدل حاکی از وجود رابطه منفی بین شاخص نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری دولت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نسبت صادرات به واردات به عنوان تکیه به تولیدات داخل با تولید ناخالص داخلی می‌باشد؛ همچنین با نگاهی بر علامت متغیرهای نسبت GDP به GNP و همچنین بهره‌وری نیروی کار می‌توان به این نتیجه رسید که با تکیه بر نیروی کار در شرایط تحریم و با تاکید بر اقتصاد مقاومتی می‌توان به افزایش تولید ناخالص داخلی کشور کمک کرد.

کلید واژه‌ها: تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری نیروی کار، اقتصاد مقاومتی

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. دانشجوی دکتری، نویسنده مسئول، رایانامه: mmirzaee68@yahoo.com

مقدمه

رشد اقتصادی در هر جامعه‌ای برآیند تولید است. افزایش تولید از نظر کمی و کیفی، به معنای رشد اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی است. از این رو باید به تولید توجه ویژه‌ای مبذول داشت؛ زیرا اگر افزایش مصرف همراه با افزایش تولید نباشد، به معنای فقدان رشد اقتصادی در جامعه است. هر جامعه‌ای باید تولیداتش بیشتر از مصارف آن بوده تا جامعه بتواند فرصت‌های تازه‌ای برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر به دست آورد. افزایش تولید و رشد اقتصادی در هر جامعه به معنای ایجاد فرصت‌های بیشتر و بهتر برای شکوفایی اقتصادی و ورود به عرصه‌های تازه و نو خواهد بود و امکان خلاقیت بیشتر را در جامعه فراهم می‌آورد. اما روند تولید ملی با چالش‌ها و مسائلی مواجه است که باید ابتدا آنها را شناسایی کرد و به دنبال راه‌کارهای مناسب برای آن بود. یکی از مشکلات اساسی و پایه‌ای کشورهای در حال توسعه دارنده نفت و به‌خصوص کشوری ایران، تامین بودجه‌ی طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی خود از طریق درآمد‌های نفتی است و معمولاً در بیشتر این کشورها بخش نفت نسبت به دیگر بخش‌ها از سهم ارزش افزوده بالایی در تولید ناخالص داخلی برخوردار است. اما نگاهی به تحولات اقتصادی کشورهای وابسته به نفت در رویدادهای گذشته نشان می‌دهد که افزایش شدید درآمد‌های نفتی درحالی‌که به‌عنوان یک ثروت طبیعی تلقی می‌شود، به بلای اقتصادی تبدیل شده است. محققانی همچون آکانی (۲۰۰۷)، مهرآرا (۲۰۰۸) و بلک (۲۰۰۶) ثروت نفت را بلای اقتصادی برای کشورهای تولیدکننده نفت دانسته‌اند. افزایش قیمت نفت سبب تحریک هر دو طرف عرضه و تقاضا در اقتصادهای وابسته به نفت می‌شود؛ ولی به دلیل نظام‌های حمایتی بخش انرژی و پرداخت‌های یارانه‌ای دولت در این بخش‌ها، موجب افزایش هزینه‌ها و فعالیت‌هایی نخواهد شد که انرژی نفت و فرآورده‌های نفتی به‌عنوان نهاده تولید محسوب می‌شود؛ در نتیجه منحنی عرضه کلان را انتقال نمی‌دهد و تنها تحریک‌کننده تقاضاست. از طرف دیگر در سال‌های اخیر مشکل تحریم‌های بین‌المللی اعم از بیمه نشدن نفتکش‌ها و کاهش خرید نفت ایران توسط سایر کشورها، باعث کاهش صادرات نفت و متعاقب آن کاهش درآمد ملی شده است.

پیرو بیانات مقام معظم رهبری در خصوص افزایش تولید ملی به‌عنوان یک عامل اثرگذار در اقتصاد مقاومتی، می‌توان اشاره کرد که رونق گرفتن تولید با کاهش وابستگی به نفت و تقویت بخش خصوصی می‌تواند زمینه ساز اقتصاد مقاومتی باشد. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که فعالیت‌های اصلی اقتصادی آن در زمینه تولید و تجارت به مهارت‌های خود متکی بوده، در تعامل با خارج، هوشمند عمل کرده و امکان تغییر سریع و خودکار و بدون ایجاد اختلال جدی در بازار در مقابل فشارها و ضربه‌های تحمیلی بیرونی از سوی کشورهای متخاصم و غیر همسو را داشته و قادر است پیشرفت و شکوفایی خود را استمرار ببخشد (اسلام زاده، ۱۳۹۴).

باید این حقیقت را دریافت که اقتصاد مقاومتی بدون رونق تولید ملی و فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی، توفیق چندانی نخواهد داشت؛ چرا که در بعد اقتصاد خرد نیز اگر حتی مصرف‌کنندگان فردی را در نظر بگیریم، بدون وجود اقبال عمومی به مصرف داخلی و حمایت‌های آحاد جامعه از تولیدات کشورمان، عرصه بر فضای رقابت تولیدات داخلی با نمونه‌های خارجی تنگ می‌شود. تولید ملی در شرایط کنونی، بیش از هر موقعیت دیگری، برای تحقق اقتصاد مقاومتی یک ضرورت است. به‌دلیل آنکه می‌تواند نقش هسته این مقاومت را بازی کند. رهبر انقلاب عبارت اقتصاد مقاومتی را همراه با واژه «واقعی» به کار می‌برد؛ چرا که در بُعد حقیقی آن نیاز هر چه بیشتر به تولیدات داخلی روشن می‌شود؛ در غیراین صورت، اقتصاد مقاومتی به مثابه یک ایده‌آل دست‌نیافتنی باقی می‌ماند (پیغامی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر رهبر انقلاب تعلق اقتصاد مقاومتی و تلاش برای تحقق آن را در دولت و مجلس و ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و مجری خلاصه نمی‌کنند، بلکه تعبیر رهبری از «مردمی بودن اقتصاد» عملاً تأکیدی بر ماهیت عمومی آن است و یکی از ارکان آن نیز همین بحث تولید ملی و فرهنگ مبتنی بر آن می‌باشد. تا زمانی که تمامی مردم با حرکت اقتصاد مقاومتی همراه نشوند و ضرورت آن را درک نکنند، نمی‌توان به یک‌آینده روشن امید داشت و از همین روست که تعبیر رهبر انقلاب شفاف‌تر می‌شود. اقتصادی که یکی از بنیان‌های ایستادگی و مقاومتش مقوله تولید ملی باشد، نباید از مسیر خوداتکایی منحرف شود.

بنابراین باتوجه به مباحث مطرح شده، هدف و سوال اصلی ما در این مطالعه با توجه به کاهش قیمت نفت در سال‌های اخیر و همراه شدن آن با مسائل تحریم که نیاز بیشتر به تولید داخل و حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی را نمایان می‌سازد، این است که آیا می‌توان وابستگی به درآمدهای نفت را با تقویت بخش خصوصی و افزایش تولید و اتکا به نیروی کار داخل را در سایه اقتصاد مقاومتی کاهش داد؟ و از چه راهکارایی برای جایگزینی درآمدهای نفتی برای افزایش تولید می‌توان استفاده کرد؟ در ادامه به تفصیل به بررسی آن خواهیم پرداخت.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

به‌طور کلی اقتصاد مقاومتی اندیشه‌ای نوین بوده و این نو بودن لزوم توجه بیشتر جامعه علمی به این مساله را دوچندان کرده است. اما اگر بخواهیم تعریفی ابتدایی از آن را ارائه دهیم، می‌توانیم بر تاثیر اقتصاد مقاومتی در ایجاد رشد و ترقی در شرایط فشار و تحریم اشاره کرده و آنرا به‌عنوان رویکرد جدید توسعه در تحریم بشناسیم. این مفهوم در بیان حضرت آیت الله خامنه‌ای به شکل امروزی خود درآمده است. مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «اقتصاد مقاومتی به این معناست که یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری آن کاهش یابد؛ یعنی به شکلی باشد که کمتر در مقابل ترفندهای دشمنان (که همیشگی خواهد بود)، به شکل‌های مختلف آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.» (اسماعیلی، ۱۳۹۰).

تولید ملی در اساس خود، دو رکن دارد؛ یعنی در عمل یک جریان دو سویه است. از یک سو جریان تولید کنندگان کالای داخلی و از سوی دیگر جریان مصرف کنندگان این کالاها. هر دو گروه به نحوی در ملی‌سازی تولید و تقویت پایه‌های اقتصاد مقاومتی سهیم‌اند؛ اما نباید این نکته را از قلم انداخت که هر دو گروه نیز دارای شرایطی خاص هستند. بنابراین یکی از عوامل بسیار موثر در اقتصاد مقاومتی لزوم اتکا به تولیدات داخلی و ملی است. جامعه‌ای که حتی در کالاهای اساسی خود وابسته باشد و نتواند به تولیدات داخل کشور اتکا کند، به هیچ عنوان نمی‌تواند نظام اقتصادی داشته باشد که

مصون از تحریم‌ها و کارشکنی‌های دشمنان باشد. از این رو با توجه به توانمندی‌هایی که در داخل کشور از لحاظ عوامل تولید و نیروی متخصص وجود دارد، اصلی‌ترین تلاش را در زمینه شکوفایی تولید ملی باید انجام داد؛ زیرا در صورتی که تولید ملی شکوفا شود، اقتصاد کشور می‌تواند رشد کند و منجر به قطع وابستگی به خارج شود و به این وسیله خود را از مشکلات و مسایلی که کشورهای غربی و دشمنان نظام با هدف ضربه زدن به نظام اقتصادی کشور به وجود می‌آورند، مصون بدارد. از طرف دیگر مسئله توجه به نیروی انسانی برای افزایش تولید با تاکید بر اقتصادی که می‌خواهد راهکار مقاومتی را در پیش گیرد، مسئله مهمی است که باید توسط مسئولین جدی گرفته شود. آدام اسمیت^۱ برای اولین بار در اثر مشهور خود با عنوان ثروت ملل، بر نقش سرمایه انسانی و اهمیتی که سرمایه‌گذاری در این خصوص بر رشد اقتصادی دارد، تأکید کرد.

در تفکرات اسمیت، مهارت‌های توسعه‌یافته نیروی کار، به منزله یک ابزار سرمایه‌ای، موجب ارتقای سطح بهره‌وری تولید می‌شود. افراد متخصص از توانایی تولید بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند و در فرآیند تولید، خالق ارزش‌های بیشتری هستند. از نظر شولتز (۱۹۵۹) که مشهور به پدر تئوری سرمایه انسانی است، توانایی‌های اکتسابی انسان مهم‌ترین منبع رشد بوده است. او به این ترتیب به معمای رشد پاسخ علمی می‌دهد. به اعتقاد او، هنگامی که در بخش سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری شود، بهره‌وری نیروی انسانی افزایش می‌یابد و افزایش بهره‌وری موجب افزایش تولید و درآمد می‌شود و در حقیقت نوعی سرمایه قلمداد می‌شود. شولتز برخلاف اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک، نیروی کار را به هیچ عنوان یک عامل متجانس و همگن قلمداد نمی‌کند. او معتقد است که نیروی کار بر اساس آموزشی که دریافت می‌کند، از کیفیت و مهارت متفاوتی برخوردار می‌شود که او را نسبت به نیروی کار دیگر متمایز می‌کند.

تحقیقات پیشین صورت گرفته داخلی به شرح زیر است:

۱. Adam Smith
۲. Schultz

- انتظاری و محجوب (۱۳۹۸)، در پژوهشی در تحلیل اقتصاد مقاومتی بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ آورده‌اند: ایران برای کاهش شکاف توسعه خود با کشورهای پیشرفته، راهی جز، اقتصاد مقاومتی ندارد. توسعه اقتصاد مقاومتی، نیازمند اقتصاد دانش پویا و بالنده است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اثربخش برای توسعه اقتصاد دانش در ایران، نیازمند شناخت وضعیت موجود و تحولات آن در مقایسه با سایر کشورها است. در این راستا، ضمن توسعه چارچوب مفهومی جدید برای اقتصاد مقاومتی، شاخصی ترکیبی شامل: مولفه‌های صنایع دانش، صنایع دانش بنیان، جامعه‌یادگیری، جامعه اطلاعاتی و دولت دانش برای این مفهوم ساخته شده است. محاسبه شاخص ترکیبی با استفاده از داده‌های بین‌المللی و نظر کارشناسان نشان می‌دهد که وضعیت اقتصاد مقاومتی در ایران بهبود قابل ملاحظه‌ای داشته است؛ البته توسعه مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، متوازن نبوده است. برای حفظ توازن و پایداری در توسعه اقتصاد مقاومتی، باید ضعف‌های زیرساختی در فناوری اطلاعات و دولت دانش از بین برود. تجاری‌سازی نتایج تحقیقات و اختراعات، توسعه داده شود و سرمایه‌گذاری در تحقیقات و آموزش افزایش یابد.

خدایی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات سیاست‌های مالی بر تقویت اقتصاد مقاومتی: با مدل‌های حالت- فضا پرداختند. نتایج تحقیق اثر سیاست‌های مالی بر تقویت اقتصاد مقاومتی در کل دوره مورد بررسی، مثبت است و افزایش سرمایه‌گذاری زمینه‌ساز افزایش نرخ رشد اقتصادی است. همچنین اثرات مثبت سیاست‌های مالی بر نرخ ارز غیررسمی در طول زمان افزایش یافته است. به علاوه اثر سیاست مالی بر تورم در اقتصاد ایران مثبت است؛ به طوری که اثرات افزایشی فوق در دوره‌های رونق اقتصادی بیشتر است. در نهایت اینکه اثر سیاست‌های مالی دولت بر مخارج بخش خصوصی منفی است. نتایج تحقیق حاضر بیانگر تغییر روابط بین متغیرهای مدل در طول زمان است به طوری که شرایط حاکم بر اقتصاد کشور در نحوه اثرگذاری متغیرهای مدل بر یکدیگر اثرگذار است.

- حمید ناظم‌ان (۱۳۹۵)، در پژوهشی در مورد «اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار»، مفهوم اقتصاد مقاومتی و نقش آنرا در حصول و پایداری توسعه مورد بحث قرار می‌دهد.

با توجه به اینکه توسعه پایدار، بنا بر تعریف باید متضمن دستیابی به تولید سرانه بالاتر، اصلاح الگوی توزیع درآمد، و بهبود محیط زیست باشد؛ این مطالعه به طراحی و تنظیم یک مدل تحلیل کلان، برای بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، با توسعه اقتصادی می‌پردازد.

الف) راهکارهای اجرای سیاست‌های مقاومتی و حمایت از تولید ملی

برای شناخت بسترها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید به آسیب‌شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندی‌های تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت. فعالیت در عرصه اقتصاد مقاومتی نیاز به رصد و دیده‌بانی فضای اقتصاد داخلی و بین‌المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روز آمد دارد. ضرورت طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برعهده عموم و به‌ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ آنهایی که قایل به صحت و صدق ایده اقتصاد مقاومتی هستند. همچنین ما به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجمی احتیاج داریم که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به خوبی و در بسته‌بندی‌های مناسب به مردم عرضه کند.

یکی از معیارهایی که با توجه به آن کشورها را از نظر اقتصادی و اجتماعی مقایسه می‌کنند، معیار GNP است؛ یعنی هر چه GNP یا به شکل صحیح‌تر GNP سرانه (درآمد ملی سرانه و یا سایر شاخص‌های حساب‌های ملی) کشوری بالاتر باشد، نشان دهنده وضعیت مناسب آن کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی است. ولی باید توجه داشت که هر چند معیار GNP سرانه نشان دهنده وضعیت کشورها است، ولی نمی‌تواند به‌عنوان تنها معیار برای مقایسه رفاه کشورها باشد. با توجه به مطالب بالا اهمیت تولید ملی در اقتصاد روشن و واضح است. با توجه به اهمیت رشد اقتصادی در شرایط کنونی، لزوم توجه به تولید ملی بیش از پیش نمایان است (پیغامی، ۱۳۹۱).

- با توجه به شرایط خاص کشور و لزوم مقابله با تحریم‌های بین‌المللی و در شرایط آرمانی تبدیل تهدید به فرصت از طریق شناسایی نقاط ضعف و قوت کشور، موارد زیر در خصوص دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی مورد توجه است.

- تولیدمحوری باید شاقول سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور باشد؛ یعنی باید در سیاست‌های ارزی، در سیاست‌های پولی و مالی، سیاست‌های تجاری و سیاست‌های بانکی و مالیاتی برای تولید اولویت قائل باشیم.
- تولیدکننده برای بهبود تولید به فناوری و ماشین‌آلات مناسب نیاز دارد. در شرایطی که برخی محدودیت‌ها از سوی بدخواهان در مناسبات بین‌المللی بر تولیدکننده‌های ما تحمیل شده است، باید از ابتکارات مدیران اقتصادی در رفع و دفع این محدودیت‌ها حمایت کنیم.
- حمایت از تولید می‌تواند زمانی اتفاق بیفتد که تولیدکننده تولید خود را انجام داده و نیاز به بازاریابی دارد. کمک به تولیدکنندگان برای بازاریابی داخلی می‌تواند از راه نظام تعرفه‌ای یا زمینه‌های مربوط به قیمت‌گذاری صورت بگیرد؛ به این معنی که ابتکار عمل در اختیار بازار رقابتی باشد تا واحدهای تولیدی بتوانند در شرایط رقابتی امورات مدیریت بازار خود را انجام دهند.
- ارتقای فرهنگ و دانش جامعه و مصرف‌کنندگان؛ اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع با بهادادن به مردم به‌عنوان کارآفرینان و تلاشگران اقتصادی و طلب کمک از آنها برای کمک به کشور در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نقش شایانی در تحقق اهداف مذکور خواهد داشت.
- اتخاذ تصمیمات تازه در خصوص طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، متناسب با شرایط اقتصاد مقاومتی؛ در این بخش می‌توان به افزایش سهم یارانه‌های بخش تولید جهت جلوگیری از ظرفیت کامل تولید اشاره کرد.
- افزایش توان علمی کشور در جهت خودکفایی در زمینه دانش و تکنولوژی؛ در این راستا سرمایه‌گذاری بر روی مراکز دانش محور، پژوهشگاه‌ها و طرح‌های پژوهشی مورد توجه است.
- در شرایط فعلی و در همه‌ی مراحل تولید، ظرفیت‌های خالی بسیاری وجود دارد؛ یعنی ما برای جهش در تولید ملی هم نیروی جوان آماده به کار داریم و هم سرمایه‌گذاری‌های گسترده داریم. تنها باید اولویت را به رفع موانع پیش‌روی

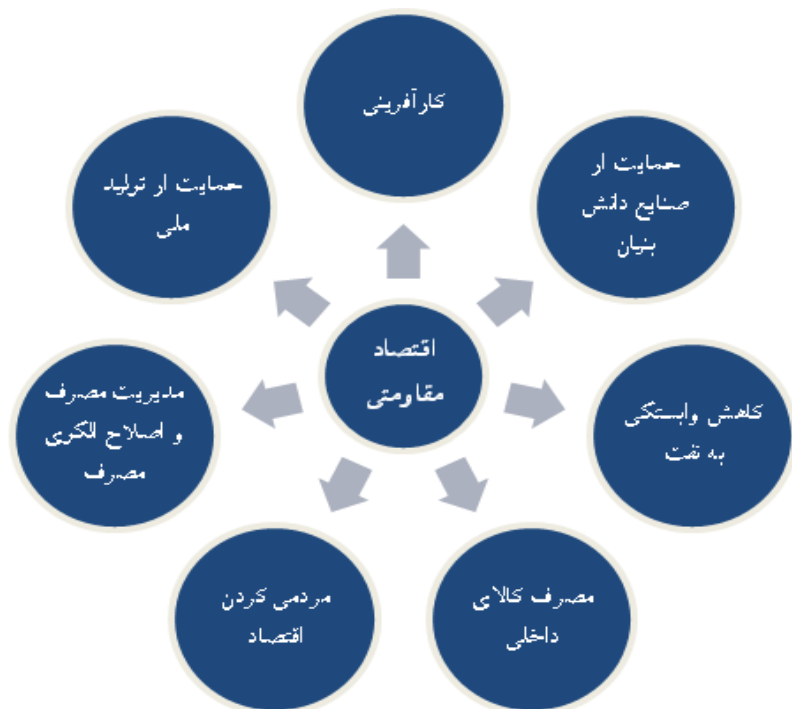
واحدهای تولیدی موجود بدهیم تا این واحدها بتوانند با حداکثر ظرفیت به تولید بپردازند.

- اتخاذ تدابیر متنوع برای جلب مشارکت همه اقشار مردم، فارغ از سلايق و تمایلات سیاسی و در چارچوب وفاداری به اصول قانون اساسی و اجتناب از تنگ نظری‌ها و اجرای خط مشی اصولی جذب حداکثری و دفع حداقلی در این کارزار مبتنی بر منافع ملی.

- تولید کننده باید به بازارهای خارجی دسترسی داشته باشد که در این صورت حمایت از تولید با بازاریابی خارجی ممکن می‌شود؛ بنابراین جهت‌گیری جهش صادراتی باید تداوم پیدا کند.

در مجموع، با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب می‌تواند ابعاد اقتصاد مقاومتی را به

شرح زیر بیان کرد.



شکل (۱) ابعاد اقتصاد مقاومتی؛ برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری

ب) اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی به نفت

امروزه واضح شده که فرآیند توسعه‌یافتگی سیاسی و اقتصادی و بالطبع امنیت ملی کشورهای صادرکننده نفت تحت تاثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی این کشورها قرار دارد. وابستگی کشورمان به درآمد نفتی در عرصه اقتصاد بین‌الملل یک روی مسئله است؛ روی دیگر مساله در تعامل امنیت ملی کشور با درآمدهای نفتی، تاثیری است که نفت در عرصه داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی دارد. متأسفانه باید اذعان کرد که اگر نفت را از اقتصاد ملی حذف کنیم، تمام ارکان حیات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی ما شدیداً تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد. تزریق سرمایه به بخش صنعت، واردات کالاهای اساسی، تامین و دستیابی به تکنولوژی جدید صنعتی و نظامی و تامین انرژی داخلی، تا حد زیادی وابسته به درآمدهای نفتی است. مشکلات و نارسایی‌های ناشی از آن بسیار گستره است که تعدادی از آنها به صورت مختصر در ذیل ذکر خواهد شد (درخشان، ۱۳۹۱). یکی از راهکارها برای اقتصاد مقاومتی تنوع بخشی در مدیریت منابع نفت است که از چندین طریق می‌توان آن را عملیاتی کرد:

- جلوگیری از خام فروشی نفت: جلوگیری از خام فروشی نفت یکی از خواسته‌های مقام معظم رهبری از مسئولان اقتصادی کشور بوده است: «ماین نفت را ضایع می‌کنیم؛ البته این، کار امروز و دیروز نیست؛ ده‌ها سال است که بنای اقتصاد و پیشرفت کشور روی این روش گذاشته شده است و یک‌شبه هم نمی‌شود آن را عوض کرد. من ده، دوازده سال پیش به مسئولان آنروز گفتم آن روزی انسان در قضیه نفت احساس رضایت می‌کند که کشور قادر باشد با اختیار خودش اعلام کند که من مصلحت می‌دانم امروز تولیدم را فلان قدر کم کنم،... امروز می‌خواهم صادرات نفتم را این قدر کم کنم و نفت را در کارهای غیر سوخت مصرف کنم. سوخت، بدترین استفاده از نفت است و دنیا الی ماشاءالله استفاده‌های بهتر از سوخت نفت را کشف می‌کند و پیش می‌رود؛ آن روز ما می‌توانیم خوشحال باشیم و به نفت خوشنود باشیم». ایشان همچنین تولید ثروت از طریق منابع تمام شدنی همچون نفت را خود فریبی خواندند و بیان کردند: «خام فروشی دامی است که میراث سال‌های متمادی قبل از انقلاب است و متأسفانه کشور گرفتار آن شده است و باید

تلاش شود که ملت ایران از این تله نجات پیدا کند.» با توجه به فناوری‌های پیچیده و روز دنیا، کشورهای صنعتی از هر بشکه نفت خام حداقل ۲۲۰ دلار و حداکثر ۱۳۷۰ دلار بهره‌برداری می‌کنند، ماهم اگر با نگاه اقتصاد مقاومتی خام فروشی نفت را کم یا قطع کنیم، ارزش افزوده بیشتری به دست می‌آوریم (اصغری، ۱۳۹۳).

- تغییر ساختار اقتصاد برای تامین ارز از محل صادرات غیر نفتی به جای صادرات نفت: تحریم نفت ایران، فرصت مناسب است تا بیماری اساسی اقتصاد کشور در وابستگی به درآمد نفتی درمان شود. جایگزین کردن صادرات غیرنفتی و درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، راهبرد مناسبی است که باید در دستور کار مسئولان اقتصادی کشور قرار گیرد. این راهبرد علاوه بر اینکه آسیب‌پذیری کشور را کاهش می‌دهد، خود یک حرکت تهاجمی در جهت افزایش قیمت نفت و ضربه به منافع اقتصادی کشورهای غربی نیز ارزیابی می‌شود.

این موضوع همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است: «ما باید به‌اینجا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگترین واقعیات اقتصاد و کشور ما وابستگی به درآمد نفت است. من چند سال قبل از این گفتم (البته آن وقت مسئولین دولتی از این حرف هیچ استقبال نکردند)، ما باید به جایی برسیم که اگر یک روزی به خاطر قضایای سیاسی، اقتضائات سیاسی، یا اقتضائات اقتصادی در دنیا، اراده کردیم که صادرات خودمان را مثلاً برای مدت پانزده روز یا یک ماه متوقف کنیم، بتوانیم... اگر یک روزی اقتصاد کشور از درآمد نفت و صادرات نفت بریده شود، این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد که تاثیر گذاری‌اش در دنیا فوق‌العاده است. ما باید به‌اینجا برسیم. خب، این حمایت می‌خواهد؛ باید از صادرات حمایت بشود.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۲۶).

- تغییر ساختار اقتصادی برای تامین بودجه دولت از محل مالیات به جای صادرات نفت: یکی از روش‌های معقول اقتصادی فراهم‌سازی بسترها برای تحقق نظام مالیاتی در کشور است که دولت با طیب خاطر می‌تواند روی درآمدهای آن حساب باز کند. اگر چه در طرح تحول اقتصادی گام‌های خوبی برداشته شد، اما هنوز فاصله درآمد مالیاتی ما با میانگین جهانی و بسیاری از کشورها فاصله زیادی است. تحریم نفت می‌تواند به فرصتی

جهت رفع معضل وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی که از آرزوهای مقام معظم رهبری است، باشد: «بودجه کشور ما متأسفانه از ده‌ها سال پیش به‌این طرف، وابسته به نفت است. این روش را همه اقتصاددان‌های دلسوز رد می‌کنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوه غلطی است. من سال‌ها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است.

با توجه به این حقیقت که هیچ کشوری نمی‌تواند وارد کننده صرف باقی بماند، دستیابی به بازارهای جهانی و گسترش صادرات، مورد توجه همیشگی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران بوده است. از طرفی صادرات غیرنفتی ایران با موانعی سروکار دارد که باید در جهت برطرف نمودن آنها تلاش کرد. برای رسیدن به اهداف بلندمدت در توسعه صادرات غیر نفتی با بررسی و کنکاش دقیق فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی شدن، می‌توان به رفع محدودیت‌ها و ضعف‌های موجود در زیرساخت‌های اقتصادی کشور مرتبط با صادرات پرداخت؛ بنابراین، ضروری است در حوزه یکپارچه‌سازی و هماهنگی سیاست‌ها اقدامات اساسی به عمل آید.

روش‌شناسی تحقیق

بی‌تردید، دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند برخورداری از نظام اقتصادی و تولیدی برون‌گر است؛ به‌این مفهوم که ضمن رفع نیاز داخلی، توسعه صادرات کالاها و خدمات مازاد بر مصرف داخلی به‌عنوان هدفی راهبردی پیگیری شود. باوجود اینکه این معنا در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفته، اما در عمل، سازوکارهای لازم به‌طور کامل در پیشبرد مقاصد صادرات غیرنفتی فراهم نشده است. توسعه اقتصادی ایران تاکنون بر اساس وابستگی به نفت و گاز بوده و عامل اصلی رشد آن درآمد حاصل از صادرات نفت بوده است. این در حالی است که حجم صادرات غیرنفتی ایران در چند سال اخیر افزایش یافته و سهم کالاهای صنعتی در صادرات بالا رفته و بخش مهمی از آن را

صادرات مواد پتروشیمی تشکیل می‌دهد. برای رسیدن به اهداف بلندمدت توسعه صادرات غیر نفتی با بررسی دقیق فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی شدن می‌توان به رفع محدودیت‌ها و ضعف‌های موجود در زیر ساخت‌های اقتصادی مرتبط با صادرات پرداخت. با توجه به مبانی نظری موضوع الگوی تجربی تحقیق به شکل زیر معرفی می‌گردد:

$$GDP_t = \beta_0 + \beta_1 YR_t + \beta_2 I_t + \beta_3 IR_t + \beta_4 XM_t + \beta_5 EF_t + \beta_6 DUM_t + \varepsilon_t$$

Martin, & Sunley (2014)

GDP = تولید ناخالص داخلی

IR = نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری دولت

YR = نسبت GDP به GNP به‌عنوان تکیه بر داخل

I = سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

EF = بهره‌وری نیروی کار با تاکید بر نیروی کار داخل

XM = نسبت صادرات به واردات به‌عنوان تکیه به تولیدات داخل

در این تحقیق از اطلاعات سری زمانی سالانه‌ی ۱۳۹۷-۱۳۵۱ استفاده شده است. داده‌های مربوطه از طریق پایگاه شاخص‌های توسعه جهانی (WDI) گردآوری شده‌اند. همچنین، در رابطه بالا متغیر مجازی سال‌های انقلاب و جنگ تحمیلی ایران و عراق (DU) و همچنین سال‌های شکست مربوط به متغیرهای تحقیق که به‌وسیله آزمون‌های شکست ساختاری زیوت-اندرویز و لامزدین - پاپل به دست خواهد آمد، نیز در مدل، در نظر گرفته می‌شوند. این متغیرها نشان دهنده تأثیر شرایط اجتماعی جنگ بر وضعیت تورم و نااطمینانی در ایران می‌باشد.

در این مطالعه، ابتدا با بکارگیری آزمون‌های ریشه واحد در دو دسته آزمون‌های ریشه واحد استاندارد بدون لحاظ شکست ساختاری و آزمون‌های ریشه واحد با لحاظ شکست ساختاری به صورت درونزا وضعیت مانایی و درجه جمعی متغیرها به صورت دقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین به منظور آزمون وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت میان

متغیرهای مورد مطالعه و هم چنین برآورد ضرایب بلندمدت و سرعت تعدیل از رهیافت آزمون کرانه‌ها و الگوی ARDL که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) ارائه شده است، استفاده می‌شود. این روش از مزیت‌های متعددی نسبت به دیگر روش‌های هم‌جمعی نظیر روش یوهانسن-یوسیلیوس برخوردار است که از آن جمله می‌توان به سه مورد برجسته اشاره کرد: اول اینکه، این روش وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها را در نمونه‌های با حجم کم (مانند سری‌های زمانی کشورایران) به صورت کارا تعیین می‌کند در حالیکه روش هم‌جمعی یوهانسن برای ارائه نتایج معتبر و کارا به یک نمونه با حجم داده‌های زیاد نیاز دارد. دوم، برخلاف روش یوهانسن که باید تمام متغیرها جمعی از درجه یکسان باشند، روش آزمون کرانه‌ها صرف‌نظر از اینکه متغیرها جمعی از درجه صفر $I(0)$ ، یک $I(1)$ و یا جمعی از درجات متفاوت $I(0)$ و $I(1)$ مختلف هستند، می‌تواند بکار گرفته شود و تنها محدودیت روش، در اینست که درجه جمعی متغیرهای مورد بررسی بیشتر از دو نباشد. زیرا در حالتی که متغیرها جمعی از درجه دو $I(2)$ یا بیشتر باشند، مقدار آماره F محاسبه شده توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) قابل استفاده نیست. سوم اینکه، آزمون یوهانسن تعداد وقفه بهینه یکسان برای متغیرها در نظر می‌گیرد در حالی که در روش آزمون کرانه‌ها طول وقفه بهینه برای متغیرهای مورد بررسی می‌تواند مختلف باشد که این امر منجر به نتایج سازگارتر و به واقع نزدیک‌تر در برآوردها می‌شود.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

- نتایج آزمون‌های ریشه واحد

در اغلب مطالعات سری‌های زمانی، وجود ریشه واحد در متغیرهای سری‌های زمانی ممکن است منجر به برآورد رگرسیون کاذب شود و از این رو نتایج به دست آمده قابل اتکا نباشد. علاوه بر این، پیش‌شرط استفاده از آزمون کرانه‌ها جهت بررسی وجود رابطه بلندمدت، اینست که متغیرها جمعی از درجه دو نباشند، لذا لازم است پیش از انجام آزمون کرانه‌ها و برآورد ضرایب بلندمدت وضعیت مانایی و درجه جمعی متغیرها به صورت دقیق

مشخص شود. به این منظور از دو آزمون متداول دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF)^۱ و فیلپس-پرون (PP)^۲ استفاده شده است. نتایج هر دو آزمون نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مورد مطالعه با یکبار تفاضل گیری مانا می‌شوند؛ در نتیجه تمامی متغیرهای مورد بررسی جمعی از درجه یک می‌باشند. خلاصه نتایج این آزمون‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته و فیلپس پرون

متغیرها	آماره آزمون ADF			آماره آزمون PP		
	در سطح	تفاضل مرتبه اول	درجه جمعی	در سطح	تفاضل مرتبه اول	درجه جمعی
GDP	-۲/۸۸۴	-۴/۸۲۵	I(1)	-۱/۱۴۲	-۵/۴۱۰	I(1)
IR	-۲/۱۸۷	-۵/۸۳۴	I(1)	-۱/۵۲۶	-۱۶/۲۱۶	I(1)
YR	-۱/۰۲۵	-۴/۲۳۰	I(1)	۱/۱۴۱	-۲/۶۶۷	I(1)
I	-۱/۵۴۵	-۳/۴۴۹	I(1)	-۰/۶۶۰	-۳/۲۶۵	I(1)
XM	-۲/۲۳۱	-۱/۲۳۶	I(1)	-۱/۳۲۶	-۴/۲۳۶	I(1)
EF	-۱/۳۲۶	-۳/۳۶۲	I(1)	-۱/۵۹۸	-۲/۴۵۲	I(1)

منبع: محاسبات محقق

با توجه به طول دوره زمانی مورد مطالعه و تغییرات ساختاری رخ داده در اقتصاد ایران از جمله وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی احتمال وجود شکست‌های ساختاری در روند داده‌ها بسیار بالاست. از آنجائی که آزمون‌های ریشه واحد استاندارد نظیر دو آزمون ADF و PP شکست‌های احتمالی در روند متغیرها را در فرایند آزمون لحاظ نمی‌کنند، بر همین اساس جهت بررسی دقیق‌تر با استفاده از آزمون ریشه واحد زیوت اندروز (۱۹۹۲)^۳ با لحاظ یک شکست ساختاری به صورت درونزا و آزمون ریشه لامزدین و پاپل (۱۹۹۷)^۴ با لحاظ دو شکست ساختاری درونزا درجه جمعی متغیرها مورد بررسی مجدد قرار گرفت. همانطور که در جدول (۲) قابل مشاهده است، نتایج آزمون ZA نشان می‌دهد که متغیر ضریب تولید ناخالص داخلی، نسبت

^۱The augmented Dickey – Fuller Unit Root Test

^۲Phillips & Perron

^۳Zivot and Andrews(1992)-ZA

^۴Lumsdaine and Papell (1997)-LP

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری دولت، نسبت صادرات به واردات به‌عنوان تکیه به تولیدات داخل و بهره‌وری کار با تاکید بر نیروی کار داخل با لحاظ یک شکست ساختاری در سطح معنی داری ۵٪ مانا بوده و جمعی از مرتبه صفر هستند. در حالی که مطابق با نتایج آزمون LP متغیر تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات به واردات به‌عنوان تکیه به تولیدات داخل و بهره‌وری نیروی کار با تاکید بر نیروی کار داخل با لحاظ دو شکست درونزا در سطح مانا شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد زیوت - اندریوز و لامزداین - پاپل

متغیرها	آزمون ZA				آزمون LP				
	TB _{ZA}	Lag	t _{ZA}	نتیجه	TB _{1LP}	TB _{2LP}	Lag	t _{LP}	نتیجه
GDP	۱۳۸۱	(۳)	-۷/۵۰**	I(0)	۱۳۶۷	۱۳۷۱	(۲)	-۸/۲۱**	I(0)
IR	۱۳۶۳	(۱)	-۵/۱۵**	I(0)	۱۳۵۹	۱۳۶۳	(۲)	-۶/۱۴	I(1)
YR	۱۳۷۳	(۱)	-۲/۶۴	I(1)	۱۳۵۹	۱۳۷۹	(۲)	-۵/۶۴	I(1)
I	۱۳۶۷	(۳)	-۴/۰۴	I(1)	۱۳۵۵	۱۳۶۷	(۲)	-۵/۵۰	I(1)
XM	۱۳۷۰	(۱)	-۵/۸۰***	I(0)	۱۳۵۶	۱۳۶۸	(۲)	-۶/۹۴**	I(0)
EF	۱۳۸۲	(۱)	-۵/۷۰***	I(0)	۱۳۵۸	۱۳۸۲	(۲)	-۸/۲۶***	I(0)

منبع: محاسبات محقق-مقادیر بحرانی در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد توسط زیوت و اندریوز به ترتیب ۵/۵۷، ۵/۰۸- و ۴/۸۲- تعیین شده است. همچنین، مقادیر بحرانی در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد توسط لامزداین و پاپل به ترتیب ۷/۳۴-، ۶/۸۲- و ۶/۴۹- تعیین شده است. ***، **، * و * به مفهوم رد فرض صفر به ترتیب در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ است.

- برآورد ضرایب کوتاه مدت، بلندمدت و الگوی ECM

برای برآورد ضرایب بلندمدت و همچنین برآورد ضریب جزء تصحیح خطا و ضرایب کوتاه مدت مربوط به معادله، مدل ARDL(2,0,0,0) به‌عنوان مدل بهینه براساس معیار SBC انتخاب شده است. نتایج حاصل از برآورد ضرایب بلندمدت این مدل در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج ارائه شده نشان می‌دهند که ضرایب متغیرهای تاثیرگذار بر تولید ناخالص داخلی با تاکید بر اقتصاد مقاومتی در بلندمدت در سطح اطمینان ۹۵٪ معنا دار بوده، علائم آن مورد انتظار و مطابق با مبانی تئوریک موضوع می‌باشد. روابط برآوردی بیانگر وجود

۱) Schwartz Bayesian Criteria(SBC)

رابطه منفی بین شاخص نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری دولت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نسبت صادرات به واردات به‌عنوان تکیه به تولیدات داخل با تولید ناخالص داخلی است. با افزایش قیمت جهانی نفت، به‌عنوان یکی از عوامل تولید در کشور، باعث افزایش هزینه‌های تولید شده و به تبع آن باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی شده و از طرف دیگر به علت افزایش درآمدهای نفتی در کشور صادرکننده نفت (مورد کشور ایران) و افزایش قدرت خرید و افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی، باعث می‌شود که برای جلوگیری از افزایش تورم در کشورهای صادرکننده نفت، واردات (که تابعی مستقیم از درآمد است) از کشورهای صنعتی افزایش یابد، ولی با قیمت‌های بالاتر. که خود این مسئله باعث افزایش تورم می‌شود.

از طرف دیگر به علت پایین بودن قدرت رقابت و عدم وجود زیر ساخت‌های مناسب در اقتصاد داخلی و به دلیل دارا بودن قدرت رانت نفتی در دست دولت‌ها، درآمدهای مازاد نفتی را به سرمایه‌گذاری در بخش تولید، افراد رانت‌جو در کوتاه مدت به‌منظور سودآوری بیشتری در بخش‌های دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند، که این عامل نیز باعث ایجاد شکاف تولید در اقتصاد شده و بار اضافی بر دوش اقتصاد می‌افتد. انتظار از تورم در دوره‌ی آتی و نااطمینانی از نرخ تورم نیز در دامن زدن به شدت تورم تاثیرگذار است و هرچه نااطمینانی افزایش یابد، میزان سرمایه‌گذاری در بخش تولید کاهش یافته و وضعیت تولید کشور را وخیم‌تر می‌کند. علامت منفی نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به کل سرمایه‌گذاری دولت نشانگر لزوم سرمایه‌گذاری دولت در اقتصاد در کنار بخش خصوصی می‌باشد که نشانگر مراحل اساسی توسعه و قبل از جهش اقتصادی است. همچنین علامت منفی وقفه متغیر وابسته را می‌توان با نگاهی بر روند متغیر تولید ناخالص داخلی تحلیل کرد؛ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی به دلیل سرازیر شدن درآمدهای نفتی، نرخ مثبت و قابل توجه است. ولی وقوع انقلاب اسلامی و متعاقب آن جنگ تحمیلی که تحریم‌های اقتصادی و محدود شدن روابط اقتصادی کشور ایران با بقیه جهان را بدنبال داشت، باعث شده که رشد اقتصادی در آن سال‌ها، افت شدیدی داشته و نرخ‌های منفی را تجربه کند.

در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی، ادامه تحریم‌ها در کنار سوء مدیریت‌های اقتصادی، هرگز اجازه نداده‌اند که اقتصاد ایران، نرخ رشد مناسبی داشته باشد. در طی دوره مورد بررسی، نرخ تورم همواره مثبت و پر نوسان و در بیشتر سال‌ها دو رقمی است و اوج آن در میانه دهه هفتاد و آن هم به دلیل اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی توسط دولت وقت است. نرخ رشد جمعیت، بعد از رکورد ۳/۹۳٪ در سال ۱۳۶۴، روند کاهشی تقریباً با ثبات داشته است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بخش دولتی و خصوصی (٪ از تولید ناخالص داخلی)، به استثنای سال‌های قبل از انقلاب و نیز نیمه نخست دهه هشتاد، ناچیز و غیر قابل توجه است. اما، حجم تجارت و نسبت صادرات بر واردات بعد از اوج آن در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی دارای سیر نزولی چشم‌گیر بوده است. بعد از جنگ، ضعف ساختاری بخش تولید در کنار تشدید روند تحریم‌های اقتصادی (محدودیت صادرات نفتی و غیر نفتی و همین‌طور کاهش ورود واردات کالاهای واسطه‌ای)، فزونی تقاضا بدلیل افزایش جمعیت جوان و نرخ‌های تورم مهار نشده، پیامدی غیر از افزایش بی رویه واردات (کالاهای مصرفی) برای اقتصاد ایران به بار نمی‌آورد. لذا، نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی و همچنین نسبت صادرات بر واردات در کشورمان همسو حرکت نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد که برقراری رابطه تئوریک مناسب بین متغیرهای مورد بحث در کشورمان، بیشتر از آنکه تحت تأثیر سیاست‌های موقت اقتصادی دولت قرار داشته باشد، تابع تغییرات اساسی در ساختار و شرایط سیاسی و اقتصادی است. همچنین با نگاهی بر علامت متغیرهای نسبت GDP به GNP به عنوان تکیه بر داخل و همچنین بهره‌وری نیروی کار با تأکید بر نیروی کار داخل در بلندمدت می‌توان به این نتیجه رسید که با تکیه بر نیروی کار تحصیل کرده داخل در شرایط تحریم و با تأکید بر اقتصاد مقاومتی می‌توان به افزایش تولید ناخالص داخلی کشور کمک کرد. متغیر موهومی سال‌های انقلاب و جنگ تحمیلی نیز در سطح اطمینان ۱٪ به لحاظ آماری کاملاً معنادار بوده و دارای علامت مورد انتظار است. علامت منفی این ضریب حاکی از این است که علاوه بر متغیرهای اقتصادی، شرایط و عوامل محیطی نیز بر میزان تولید ناخالص داخلی جامعه مؤثرند.

جدول ۳. برآورد ضرایب بلندمدت مدل $ARDL(2,0,0,0)$

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
IR	-۰/۳۵۳	-۲/۳۳۶	۰/۰۲۵
YR	۰/۰۶۷	۱/۳۵۳	۰/۰۴۵
I	-۰/۲۳۶	-۱/۷۰۲	۰/۰۵۸
XM	-۰/۳۲۰۰۴۸	-۳/۴۶۱۳۷۵	۰/۰۰۱
EF	۴/۳۸۳۰۴۸	۲/۹۶۵۷۵۷	۰/۰۰۶
C	۱/۲۳۹	۳/۵۸۴	۰/۰۴۰
DU	-۰/۱۲۵	-۱/۹۴۲	۰/۰۰۰

منبع: محاسبات محقق

DU: متغیر موهومی سال‌های جنگ ایران و عراق، C: عرض از مبدأ

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بر اساس نتایج حاصل از الگوی تصحیح خطا که در جدول (۴) نشان داده شده است، علامت متغیرها در کوتاه مدت تأثیر منفی بر شاخص تولید ناخالص داخلی دارند که کاملاً همسو با نتایج و قابل پیش بینی می‌باشد که افزایش در تولید ناخالص داخلی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی نیاز به مدت زمانی برای رسیدن به هدف مورد نظر را دارد. آنچه در الگوی تصحیح خطا بیش از همه حائز اهمیت است، ضریب جمله تصحیح خطا (ECMt-1) است، که سرعت تعدیل فرآیند عدم تعادل است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این ضریب معنادار و دارای علامت منفی است. بدین معنی که اگر از یک دوره به دوره بعدی حرکت کنیم، ۴۰ درصد از انحراف تابع تولید ناخالص داخلی از مسیر بلندمدت خود توسط متغیرهای الگو در یک دوره تصحیح می‌شود. بنابراین، حرکت به سمت تعادل با سرعت نسبتاً پایینی صورت می‌گیرد.

جدول ۴. برآورد ضرایب کوتاه مدت الگوی $ARDL(2,0,0)$

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
GDP(-1)	۰/۳۵۰	۲/۳۱۲	۰/۰۲۷
IR	-۰/۰۸۰	-۱/۶۲۵	۰/۱۱۳
YR	-۰/۲۵۱	-۱/۴۰۰	۱/۷۰
I	-۰/۸۲۳۸۰۰	-۴/۷۵۳۵۲۸	۰/۰۰۰
XM	-۰/۴۶۲۳۸۰	-۳/۳۷۵۶۵۷	۰/۰۰۲
EF	-۰/۳۲۰۰۴۸	-۳/۴۶۱۳۷۵	۰/۰۰۱
ΔDU	-۰/۲۳۷	-۲/۳۴۰	۰/۰۲۵
ΔC	۰/۰۰۲	۰/۱۰۰	۰/۰۲۰
ECMt-1	-۰/۴۰۶۵۳	-۶/۹۰۹۵	۰/۰۰۰

F-stat. F(7, 3۰) ۶.۸۳۶۸۳۹ [.۰۰۰] R-Squared: 0.43

Schwarz Bayesian Criterion: -0.۲۹۷۵۳۴

Akaike Info. Criterion: -0.55۳۴۶۶

DW-statistic: 2.079693

منبع: محاسبات محقق

 Δ : تفاضل مرتبه اول، ΔDU : متغیر موهومی سال‌های جنگ ایران و عراق، C : عرض از مبدأ

به منظور حصول اطمینان از اعتبار و صحت نتایج مدل برآورد شده، آزمون‌های تشخیصی خود همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس برای باقیمانده‌های الگوی $ARDL(2,0,0)$ مورد بررسی قرار گرفتند. همان‌طور که نتایج آزمون‌های تشخیصی در جدول (۵) نشان می‌دهد در الگوی برآورد شده ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی وجود ندارد که بر صحت نتایج الگوی برآورد شده دلالت می‌کنند.

جدول ۵: نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل

آزمون‌های تشخیصی	آماره آزمون	
	LM Version	F Version
آزمون خود همبستگی سریالی	CHSQ(1)= 2.4851[.115]	F(1, 27)= 1.8893[.181]
آزمون ناهمسانی واریانس	CHSQ(1)= 2.4035[.121]	F 1, 36)= 2.4308[.128]

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی بر این موضوع دلالت می‌کند که فشارها و شوک‌های اقتصادی که سد راه پیشرفت جامعه است باید خنثی شود و بر آنها غلبه پیدا کرد؛ به‌ویژه اگر از سوی نیروهای متخاصم و با دلیل سیاسی باشد. که در چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی مقدمه اقتدار اقتصادی و یک میانبر هوشمندانه اقتصادی خواهد بود. این برداشت از اقتصاد مقاومتی آن را به‌عنوان الگویی برای ثبات اقتصادی و فراتر از مرزهای ایران تبدیل می‌کند. مردمی‌کردن اقتصاد با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و توانمندسازی بخش خصوصی، کاهش وابستگی به نفت، مدیریت مصرف، استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات و حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تغییر ناگهانی قوانین و سیاست‌ها عمده عواملی هستند که در صورت تحقق نیافتن آن موجب می‌شود که اقتصاد ایران در مسیر خود برای مقابله با تحریم‌ها نتواند مقاومت کند و از مسیر خود منحرف شود. بنابراین، اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تاکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خودکفایی همه جانبه است. بنابراین طبیعی است که تداوم مقاومت در جبهه اقتصاد، نیازمند اندوخته‌های اقتصادی لازم در این حوزه است که بدون برخورداری از این اندوخته‌ها نمی‌توان نسبت به موفقیت و استمرار مقاومت در عرصه اقتصادی چندان امیدوار بود. با توجه به شرایط خاص کشور و لزوم مقابله با تحریم‌های بین‌المللی و در شرایط آرمانی تبدیل تهدید به فرصت از طریق شناسایی نقاط ضعف و قوت کشور، موارد ذیل در خصوص دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی مورد توجه است.

ب) پیشنهادها

- تلاش جدی مسئولان سیاست خارجی در خصوص استفاده از کلیه ابزارها و مشورت با نخبگان سیاسی سی ساله گذشته جهت برون رفت از مشکلات پیش‌رو

- و دست کم کاهش فشار تحریم‌ها، ضمن آن که اطلاع‌رسانی صحیح، واقعی به مسئولان تصمیم‌گیر کشور را ارایه کنند؛
- حمایت از تولید داخلی و افزایش بهره‌وری به جهت کاهش بهای تمام شده بخش تولید؛
- استفاده واقعی و پررنگ از بخش خصوصی در عرصه‌های مختلف اقتصادی به جهت تنظیم روابط میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان؛
- تسهیل فرآیندهای تامین مالی از طریق بازار سرمایه، با توجه به نقش مهم و غیر قابل انکار بازار سرمایه در تامین مالی شرکت‌ها؛
- تدوین سیاست‌های پولی و مالی مناسب و با ثبات در جهت تامین اهداف طرح مقاومت اقتصادی.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اسلام زاده، امید؛ جوادی، نوید؛ زیبا کردار، خسرو و میثم تحسیری (۱۳۹۴)، تبیین مشکلات و راه حل‌های مدیریت هزینه در بخش دولتی، *دانش حسابداری*، سال پانزدهم، شماره (۶۰)، صص ۷۱-۹۲
- اسماعیلی، بابک (۱۳۹۰)، از مقاومت اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی، *هفته نامه پنجره*، شماره ۸۵
- اصغری، محمود (۱۳۹۳)، خانواده و نقش آن در اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال بیستم. شماره سوم (پیاپی ۱۰۲). صص ۹۵-۷۹
- اولین و دومین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی پژوهشکده علوم اقتصادی (مبانی نظری)، دانشگاه علامه طباطبائی، آبان ماه ۱۳۹۱
- بررسی وضعیت وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و راهکارهای عملی برون رفت از آن (۱۳۸۹).
- پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، پرونده اقتصاد مقاومتی، ماهنامه آموزشی اطلاع رسانی معارف. شماره ۹۳
- درخشان، مسعود (۱۳۹۱)، امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۱، شماره ۶۴
- رحیم دوست، الهه (۱۳۹۳)، ورود آمریکا به بازار نفت آسیا و پیامدهای آن بر امنیت اقتصادی ایران، *ماهنامه امنیت اقتصادی*، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی
- سیف اله مراد (۱۳۹۱)، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبانی بر دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۵، شماره ۱۶
- شبکه کانون‌های تفکر ایران، روحانی سید علی، درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۶، شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ویرایش اول)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش با شماره مسلسل ۱۴۱۴۸، بهمن ماه ۱۳۹۳، صص ۴۷-۵۲
- نیکو قدم، مسعود (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی شیوه‌های جذب درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با نگاهی به تجربه

ب. منابع لاتین

- Briguglio, L.; Cordina, G.; Bugeja, S. & N. Farrugia (2006). **Conceptualization and Measuring Economic Resilience**, Economics Department, University of Malta
- Brown, S. Tonny, I. & L. Suda (2008). Privatization and Productivity, Available Online at: www.ssrn.com. Clague, J. (2003). Measuring Productivity, *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 701, No. 2, PP. 127-143
- Earle, S. (2002). The Development of Privatization Process Research, *International Review of Business Research Papers*, Vol. 2, No.2, March, PP. 265-277.
- Fiorentino, L. Jole, S. & E. Kimer (2009). Disclosure Frequency and Privatization Process, *Journal of Financial Economics*, Vol. 87, PP. 561-590.
- Gupta, R. (2001). Effect of Privatization on Performance, *Journal of Accounting Research*, Vol. 33, PP. 193-228.
- <http://hassantash.blogfa.com/>
- <http://www.bp.com/>
- <http://www.leader.ir/>
- Martin, R. & P. Sunley (2014). On the Notion of Regional Economic Resilience: conceptualisation and Explanation, *Journal of Economic Geography*
- Munari, P. & CH. Sobrero (2005). Impact of Privatization on Value-Relevance of Accounting Information, *Journal of Managerial Finance*, Vol. 34, No. 11, PP. 22-45.